داستان هایی از پنجاه سال: حکمتی که از حکمت آموختم

مهدوی، سید معزالدین

اواخر سال 1343 که جناب آقای علی اصغر حکمت اجازه تأسیس مدرسه‏ عالی ادبیات و زبان‏های خارجی را با تأسیس شعب مختلفه از طرف شورای‏ عالی فرهنگ کسب کرده بود مرا نیز برای تهیه مقدمات تأسیس آن دانشکده‏ دعوت بکار فرمود که کلیه کارهای ثبت‏نام و امور دفتری و حسابداری و اعلان تبلیغات و غیره را شخصا انجام میدادم.من جمله پیش‏نویس پاسخ‏نامه‏ هائی که از طرف داوطلبان ورود بمدرسه عالی از شهرستان‏ها میرسید تهیه‏ میکردم و بنظر ایشان میرساندم-چون نویسنده نامه‏ها از شهرستان‏ها اشخاصی بودند که دیپلم متوسطه داشتند و اغلب آموزگار یا کارمند عادی ادارات‏ بودند و پاسخ‏دهنده جناب آقای حکمت بود که در مدت چهل سال اخیر که من ایشان را بجا میآورم مردی دانشمند و صاحب تألیفات بسیار و در مقام اجتماعی‏ و اداری وزیر(فرهنگ-کشور-بهداری-دادگستری-خارجه)و مدتها نیز سفیرکبیر ایران در هند بوده است لذا پاسخ‏نامه‏ها را با این دید میدادم‏ ولی جناب آقای حکمت دست در پیش‏نویس‏ها میبرد و تغییراتی در عیارت آنها میداد با آنکه من ایشان را خوب می‏شناختم و بفضائل علمی و ادبی ایشان‏ واقف بودم که ایشان نه همچون رؤسائی است که برای حفظ سیطره ریاست خود انگشت بهر سوراخ میکنند و در پیش‏نویس‏ها و لو ناوارد و ناشایست تغییراتی‏ میدهند ولی معذلک گوشه دلم از این حرکت ایشان اندکی چرکین بود تا بالاخره روزی بایشان گفتم نظر جنابعالی درباره این پیش‏نویس‏ها چیست هر نظر دارید بیان کنید بهمان قسم خواهم نوشت که اسباب زحمت جنابعالی برای‏ تغییر دادن عبارات فراهم نشود.در جوابم عبارتی بیان داشت که از هرحیث‏ درس آموزنده بود فرمود:«پاسخ‏نامه‏ها را هرچه مؤدب‏تر و هرچه متواضع‏تر بنویسید»با خود گفتم صحیح گفته‏اند:تواضع ز گردن‏فرازان نکوست، و از آن پس طبق نظریه ایشان نامه‏ها را تهیه کردم که هیچگاه تغییری در عبارات آن ندادند.

لنجان

لنجان چهار سمت است.اول اشترجان و آن قریب چهل پارچه و قریه‏ ومزرعه مرغوب است.اراضی قریه مزبور مساحت نشده...فلاورجان قریه‏ ایست رود آب.هفتاد و دو هبه،مزروعی سرکار.بذرشتوی آن پنجاه خروار و زرع صیفی و شلتوک آن سیصد جریب علی الاستمرار است.محصول عایدی‏ سرکار چنانچه آفات ارضی و سماوی رخ ننماید سیصد و پنجاه تومان نقد و دویست خروار جنس غله و یکصد و چهل خروار شلتوک است.اراضی قریه‏ مذکوره قریب به سه هزار جریب است.

(نقل از کتاب خطی و منحصربفرد صریح الملک)لنجان در حال‏ حاضر مرکز ذوب‏آهن ایران و فلاورجان نیز مرکز بخش و هوا و فضائی‏ مستعد و جمعیت فراوان دارد.